



اولین چیزی که در قرآن بر روی آن با فشاری شده، تقواست

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: اگر می‌خواهی در میان مردم با ابهت و با شخصیت باشی، باید متقی باشی. از نظر قرآن اول چیزی که روی آن پافشاری شده است، تقواست.

آیت الله مظاهری در درس اخلاق اخیر خود گفت: اگر می‌خواهی در میان مردم با ابهت و با شخصیت باشی، باید متقی باشی. از نظر قرآن اول چیزی که روی آن پافشاری شده است، تقواست.

به گزارش خبرگزاری مهر، گزارشی از درس اخلاق اخیر آیت الله مظاهری در پی می‌آید؛

بحث گذشته ما بحث فوق‌العاده خوبی بود. بحث این بود که چه کنیم در دنیا و در آخرت عزیز باشیم و شخصیت داشته باشیم و ابهت داشته باشیم و برایمان هم در دنیا و هم در آخرت شخصیت قائل باشند. گفتیم از نظر قرآن اول چیزی که روی آن پافشاری شده است، تقواست. اگر انسان متقی شد، شخصیت دنیا و آخرت را دارد. به قول امام دوم (ع): «إِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَاحْرُجْ مِنْ دَلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» [۱] اگر می‌خواهی در میان مردم با ابهت و با شخصیت باشی، باید متقی باشی.

اهمیت به همه واجبات و مخصوصاً نماز، اهمیت به مستحبات به اندازه‌ای که می‌توانی و مهم‌تر از این دو، اجتناب از گناه است. گناه گوش، گناه چشم، گناه زبان تا برسد به اینکه ان شاء الله گناه دل در زندگی نباشد. درباره این صحبت کردم. دوم چیزی که درباره اش صحبت کردم، فرهنگ و علم بود. آدم وقتی می‌تواند ابهت اجتماعی و شخصیت اجتماعی پیدا کند که عالم باشد و بتواند گره‌های علمی را باز کند. وقتی در مجلس حرف می‌زند، اطرافیان به حرف او گوش دهند و ببینند که حرف‌های او مفید است. در خانه و در میان رفقا و در جامعه حرف‌های مفید بزند تا کم‌کم برسد به آنجا که از نظر علمی دینی یا علم غیردینی، مفید برای اجتماع باشد. ثواب زیادی بار بر این است و بالاترین ابهت و شخصیت اجتماعی را نیز پیدا می‌کند.

سوم، کار و تلاش و کوشش است، و این مهم‌تر از اول و دوم است. در حالی که اولی خیلی بالاست و انسان اصلاً خلق شده برای اینکه عابد و متقی باشد: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» [۲]

پروردگار عالم، عالم هستی را خلق کرده است برای اینکه ما عالم و بافرهنگ شویم، اما این تلاش و کار و کوشش از اولی و دومی هم مهم‌تر است، و گفتیم هرکجا ایمان در قرآن آمده، بلافاصله عمل صالح هم آمده است، نداریم در قرآن جایی را که بگوید ایمان داشته باش، بلکه هرکجا می‌فرماید ایمان داشته باشد، می‌گوید عمل صالح نیز داشته باش: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» [۳]

خیلی کم پیدا می‌شود و آن هم به چیزهای دیگری ربط دارد که بگوید ایمان داشته باش. بلکه هرکجا می‌فرماید ایمان داشته باش، می‌فرماید عمل صالح نیز داشته باش و حیات طیب دنیا و آخرت مربوط به این عمل صالح است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [۴]

اگر می‌خواهی حیات طیب در این دنیا و حیات طیب‌تر در آخرت داشته باشی، «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا»، باید کارهایت پسندیده و مفید برای اجتماع و بالاخره باید تلاش و کوشش در زندگی داشته باشی و ذره‌ای از عمر تو باید تلف نشود. اگر ذره‌ای از عمر کسی تلف شود و ذره‌ای از جوانی کسی تلف شود، روز قیامت خیلی پشیمان است. در روز قیامت خیلی‌ها پشیمان هستند از کرده‌هایشان و از کارهایشان، اما کسانی که خیلی پشیمان‌تر هستند، کسانی هستند که جوانی آنها به هدر رفته باشد و عمر آنها به هدر رفته باشد. در اثر تنبلی، در اثر بی‌کاری، در اثر کارهای بی‌هوده و زشت، عمر را تلف کرده باشد و از بین برده باشد و همه ما اگر شیعه هستیم، باید بدانیم یکی از سنت‌های ائمه طاهرین (ع) کار و تلاش و کوشش بود.

پیغمبر اکرم (ص) به منزل حضرت زهرا (س) آمدند و دیدند بچه روی زانوی ایشان است و بچه را شیر می‌دهد. دست مبارکش به آسیاب دستی است و جو را آرد می‌کند. در اثر خستگی خوابش برده است. پیغمبر اکرم (ص) صبر کردند تا بیدار شد و بعد فرمودند: عزیزم بچش تلخی دنیا را برای شیرینی آخرت. حضرت زهرا (س) بعد فدک را پیدا کرد، اما در آن موقعی هم که هیچ نداشت، پیغمبر اکرم (ص) خوب می‌توانست زهرا را اداره کند و امیرالمؤمنین (ع) آدم فوق‌العاده فعالی بوده و بیست‌وشش مزرعه وقف برای فقرا و ضعفا و بیچاره‌ها کرده و چندین خانه را اداره می‌کرده و این طور نبود که خود حضرت زهرا یا اطرافیان حضرت زهرا (س) نتوانند او را اداره کنند، اما حضرت زهرا (س) می‌فرمودند: کار و تلاش و کوشش. وقتی مقدّر شد فضّه خادمه

را به حضرت زهرا دهند، پیغمبر اکرم(ص) فضا را آوردند و به حضرت زهرا گفتند: زهرا جان این یک انسانی مثل تو است. همین‌طور که تو به استراحت احتیاج داری، او نیز دارد و همین‌طور که تو از کار مشقت می‌کشی، این هم مشقت می‌کشد، پس باید کارها را قسمت کنی و یک شبانه روز از تو و یک شبانه روز از فضا باشد و تا آخر کار مثال شد در میان عرب که امروز روز فضا است.

می‌دانید در مدت ۹ سال، پنج بچه داشتند و اگر گذاشته بودند محسن عزیزش پنجمی می‌شد، اما او را کشتند. بالاخره شیر به شیر بچه داشته و کار خانه از آن او بوده است. شوهرداری او به اندازه‌ای عالی بوده است که در جنگ‌های عجیبی که در اسلام بوده و رئیس لشکر امیرالمؤمنین بوده است و در یک جنگی امیرالمؤمنین سرتاپا زخمی بود و حضرت زهرا(س) همه را پانسمان کرد و بلافاصله جنگ دیگری جلو آمد و امیرالمؤمنین(ع) مجبور شد به جنگ رفت و حضرت زهرا(س) بچه داری و خانه‌داری کرد.

بعد از عروسی حضرت زهرا(س)، پیغمبر به منزل حضرت زهرا رفتند و معمولاً باید چیزی می‌بردند و آن چیز این بود که گفتند زهراجان این خانه کار دارد، کارهای داخل خانه برای تو و کارهای خارج از خانه از امیرالمؤمنین باشد. وقتی پیغمبر اکرم(ص) خداحافظی کردند، حضرت زهرا جمله‌ای گفتند که هم سنی می‌نویسد و هم شیعه، که فرمودند:

«فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخِلَتْنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَّائِي رَسُولُ اللَّهِ تَحْمِلُ رِقَابَ الرِّجَالِ» [۵]

خدا می‌داند چقدر خوشحال شدم که فرمود زهرا جان خانه داری و شوهرداری و بچه داری کن.

ما راه را گم کرده‌ایم و به این بدبختی‌ها رسیده‌ایم. قرآن می‌فرماید راه راه پیغمبر اکرم(ص) است:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» [۶]

هرکه خدا می‌خواهد و هرکه بهشت می‌خواهد و هرکه می‌خواهد زندگی خوش و خرمی در دنیا و آخرت داشته باشد، سرمشق از اهل بیت(ع) بگیرد. نمی‌شود آنها یک راه روند و ما یک راه رویم و بعد به هم برسیم. هر قدمی که برمی‌داریم، چندین قدم از هم دور می‌شویم. باید بدانیم کار و تلاش و کوشش داشته باشیم.

کار و تلاش و کوشش به اقسامی منقسم می‌شود. قسم اول همین کار عبادی که گفتم. بالاترین کارها، کار عبادی است یعنی انسان متقی شود. اما این را هم توجه کنید که انسان می‌تواند به کارهای غیرعبادی خود رنگ عبادی دهد. کار کند برای اینکه زنش در رفاه باشد و یا خانم کار کند برای اینکه شوهرش در رفاه باشد، این کار عبادی می‌شود و ثواب جهاد دارد:

«جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» [۷]

«الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» [۸]

کاسبی کند برای اینکه بتواند بچه‌هایش را بزرگ کند و بچه‌هایش را به مدرسه روانه کند و با فرهنگ کند. این رنگ پیدا می‌کند و عبادی می‌شود. پس ما باید به آن رنگ دهیم و معمولاً کارهای مباح هم کارهای عبادی می‌شود.

از همین جهت بعضی از بزرگان نقل می‌کنند که اینها هیچگاه کار مباح انجام نمی‌دادند، بلکه رنگ خدا به آن می‌دادند یا رنگ عبادت می‌دادند و کار عبادی می‌شد.

پس قسم اول، کار عبادی است. کار عبادی به این معنا که اهمیت به واجبات و اهمیت به مستحبات و اجتناب از گناه و مخصوصاً عمده در اینجا که اگر گناه در زندگی انسان آمد، انسان را تباه می‌کند و زندگی انسان را نابود می‌کند.

معنا ندارد کسی گناه در زندگیش باشد و زندگی خوبی داشته باشد. همین کسانی که شما حسرت آنها را می‌خورید، وقتی دلش را باز کنید، می‌بینید که یک در هزار غم و غصه‌های او را ندارید. حتی غم و غصه‌های آنها هم گناه است و سر تا پا بدبختی است.

آیا بدبختی بالاتر از این می‌شود که دختر از اول شب تا وقتی خوابش ببرد با این موبایل‌ها رفیق بازی کند و بعد هم در اثر عشق مجازی خوابش نبرد؟ آیا هیچ بلایی بالاتر از این می‌شود؟! یا اینکه انسان مال حرام بخورد و مال حرام خوردن مثل این

است که کسی نجاست بخورد. ما نمی‌بینیم؛ اما کسانی که چشم بصیرت دارند، می‌بینند که این نجاست می‌خورد یا خون مردم را می‌خورد.

ما نمی‌بینیم اما کسانی که می‌توانند ببینند، این را می‌بینند که این خون می‌خورد و این بدتر از مردگی است. لذا اگر در زندگی کسی گناه باشد و غوطه‌ور در گناه باشد، این زندگی نیست، بلکه بدتر از مردگی است. انسان باید رابطه با خدا و اهل بیت (ع) داشته باشد.

بالاخره قسمت اول کار، کار عبادی است و گفتم و باز به جوان‌ها تکرار کنم که شما می‌توانید به همه کارهایتان رنگ عبادی دهید و ولو کار مباح هم باشد، اما کار عبادی و مستحب و برای خدا و برای خدمت به اجتماع می‌شود و برای اینکه زن و بچه در رفاه و آسایش باشند و برای اینکه شوهر خوشحال شود از اینکه می‌بیند خانه نظیف و عالیست و همه چیز مهیاست.

همه اینها مثل نماز شب است. البته باید نماز شب را خواند، اما اگر انسان به کارهای خوب رنگ دهد، مثل نماز شب می‌شود.

قسم دوم، کار فرهنگی است. انسان باید در فرهنگش عالی باشد. یکی از وظیفه‌های سنگین پدرها اینست که بچه‌هایش را فهمیده بار آورد.

از نظر رفت و آمد و از نظر مکالمه عالی حرف بزند. این بچه‌ها که نه درس می‌خوانند و نه کار می‌کنند و فقط سرگرم فیلم‌ها و موبایل‌ها هستند و این تربیت نمی‌شود. بالاترین واجبات برای پدر و مادر، تربیت اولاد است. تربیت این نیست که به موبایل ور رود. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» [۹]

می‌فرمایند ورشکسته‌ترین افراد کسی است که در روز قیامت باید به خاطر بچه‌هایش به جهنم رود. برای اینکه باید بچه را تربیت می‌کرده اما نکرده است. خیال می‌کند تربیت اینست که بچه را به مدرسه غیرانتفاعی ببرد و مواظبت صددرصد کند، البته این کار خوب است، اما باید دوش به دوش این، بچه‌اش را با نماز و با صداقت و راستگو بار آورد و دختر را با حجاب و چادری بار بیاورد. دختری که چادر نداشته باشد، معلوم است که پدرش باید به جهنم رود.

نگویید تقصیر دختر است یا تقصیر محیط است، بله، البته محیط و مدرسه و دبیرستان تقصیر دارد، اما پدر و مادر بیشتر تقصیر دارند. در روز قیامت اگر چادر بپرسد چرا من دمه‌دشدم، هیچ کس نمی‌تواند جواب دهد و همه باید به جهنم روند.

چادر داشتن بچه‌بازی نیست. قرآن می‌گوید چادر علامت عفت خانم است. یعنی عزیزترین چیزها در قرآن چادر است. اما ما چادر را رها کرده‌ایم. دولت رها کرد و ملت رها کرد و همه با بی‌تفاوتی، بی‌چادر شدیم. این کار را خودمان و مدرسه و دبیرستان و فیلم‌هایمان و بی‌اعتنایی‌مان کرده است.

وقتی بی‌اعتنا شدیم به همین جاها می‌رسد. خواه‌ناخواه وقتی چادر نفرین کند، شبانه‌روز غم و غصه و نگرانی و اضطراب خاطر هست. چرا اینقدر درد داریم؟! چرا اینطور شده؟! این غم و غصه‌ها و نگرانی‌ها و دلهره‌ها و اضطراب‌خاطر‌ها چیست؟!

روایت داریم کسی که اهمیت به نماز ندهد، نماز او را نفرین می‌کند. حتی اگر نماز می‌خواند، اما نماز بیخودی می‌خواند و حتی روایت داریم از پیغمبر اکرم (ص) که نماز می‌گوید خدا تو را ضایع کند همین‌طور که مرا ضایع کردی. [۱۰] اینها جان دارند و روح دارند و پیش اهل دل زبان دارند و گفتگو دارند. نماز معاشقه با خداست و نماز یک مکالمه با خداست. لذا قسم دوم کار علمی و فرهنگی است و جدّاً ما کار علمی نداریم. الان همه شما که اینجا نشسته‌اید در رساله مرجع تقلید رفوزه هستید. یعنی اگر معلم از شما امتحان بگیرد نمره بالاتر از ده نمی‌آورد و بالاترین گناه همین است. مگر می‌شود انسان نداند رساله مرجع تقلید چیست و کجاست و مسائلش را نداند.

یک مرجع تقلید هفتاد هشتاد سال شبانه روز زحمت کشیده است و یک عمر این رساله را نوشته و مجانی به شما داده و با التماس می‌گوید مطالعه کن. اما هیچکدام رساله مرجع تقلیدمان را مطالعه نمی‌کنیم. الحمدلله در ولایت خیلی کار شده است و چیزی که در ولایت داریم احساسات است و این الحمدلله خوب است و شکر خدا که لااقل این احساسات برایمان هست. عشق هست و خوب است و بهتر از احساسات است، اما یک چیز را نداریم و آن پیروی از اهل بیت (ع) است.

امیرالمؤمنین (ع) شصت و سه سال عمر کرده و غالباً در جبهه بوده است، اما بیست و شش مزرعه به دست مبارکش آباد کرده است. باغ خرما و باغ انجیر و باغ انگور و بالاخره بیست و شش مزرعه آباد کرد و یکی برای بچه‌هایش نبوده، بلکه همه برای بیچاره‌ها و فقرا و درماندگان بوده است. حال چه چیز ما از نظر عمل به امیرالمؤمنین می‌خورد؟ ما لنگیم یعنی به راستی اگر

بخواهند امتحان کنند، رفوزه می‌شویم.

کار علمی یعنی با رساله عملیه سر و کار داشته باشیم و با کتاب‌های اعتقادی سر و کار داشته باشیم. کتاب‌های اخلاقی که زیاد نوشته شده و چهل رذالت اخلاقی و چهل فضیلت داریم و ما باید فضائل را از رذائل تشخیص دهیم و به فضائل عمل کنیم و رذائل را از دل بکنیم و اینها مطالعه می‌خواهد. الحمدلله کتاب‌ها خوب نوشته شده و شما می‌توانید از نظر اعتقادی و از نظر احکام و اخلاق، حسابی ملا شوید. شبانه روز یک ساعت را به دین دهید.

ما بعد از این سی و پنج سال همه باید مخترع شده باشیم و خودکفا شده باشیم. چندین سال قبل وزیر کشاورزی با عده‌ای نزد من آمد و خیلی خوشحال بود و گفت آمدم شما را خوشحال کنم که ما در گندم و حبوبات خودکفا شدیم و گفت علاوه بر اینکه واردات نداریم در بعضی از حبوبات صادرات هم داریم. من چقدر خوشحال شدم و صورتش را بوسیدم و تشکر کردم. اما این هم رفت و الان گندم ما را باید امریکائی‌ها بدهند. آیا اینها گریه و دق کردن ندارد؟! بعد هم می‌گویند نفت داریم و نفت را می‌دهیم گندم می‌خریم. اما اصلاً این نفت از تو نیست و از آینده است و اگر شما بخورید حرام و حق‌التاس است.

آمریکائی‌ها یک لیتر نفت استخراج نمی‌کنند، بلکه از ما می‌خورند و از این صعودی‌های بی‌لیاقت می‌خورند و بالاخره از ممالک اسلامی می‌خورند. ما مسلمان‌ها نفت‌ها را به آنها می‌دهیم و آنها نفت‌هایشان را ذخیره می‌کنند و آنگاه ما شده‌ایم مسلمان و شیعه‌ علی و با همین چیزها خودمان را گول زده‌ایم. شیعه‌ علی یعنی آنکه نفتش را ذخیره کند و فقط به اندازه‌ احتیاج خودمان استفاده کنیم. اصلاً صادر کردن نفت غلط است. از نظر همه نفت صادر کردن غلط است.

دیر شد ببخشید، من حال نداشتم، الحمدلله همیشه این‌طور بوده است که امام حسین(ع) نظر لطفی روی منبر به من می‌کنند. این هم معجزه‌ای از منبر است. البته مزاحم شما هم شدیم. اما بحث ناقص است و باید بعداً درباره آن صحبت کنیم، اگر خدا بخواهد.

پانوشتها،

[۱]. کفایة الاثر، ص ۲۲۸.

[۲]. الذاریات، ۵۶: «و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.»

[۳]. البقرة، ۸۲: «و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند.»

[۴]. النحل، ۹۷: «هر کس -از مرد یا زن- کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.»

[۵]. قرب الإسناد، ص ۲۵.

[۶]. الأحزاب، ۲۱: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.»

[۷]. الکافی، ج ۵، ص ۹.

[۸]. الکافی، ج ۵، ص ۸۸.

[۹]. الزمر، ۱۵: «زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند؛ آری، این همان خسران آشکار است.»

[۱۰]. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸.